فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

بررسی وضعیت اقتصادی اتحادیه اروپا

محمدعلی شجاع‌حیدری[۱]، رضا شجاع‌حیدری[۲]، عطاالله امیدواری[۳]، سامان محمدی تهرودی[٤]

چکیده

بحران مالی و اقتصادی جهان که از ایالات‌متحده آمریکا کلید خورد، به‌سرعت در میان سایر کشورهای عضو نظام سرمایه‌داری شیوع یافت و دامن آن‌ها را نیز گرفت. اتحادیه اروپایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل با شالوده سیاسی و اقتصادی لیبرال دموکراتیک استثنایی بر این امر نبود، اما آنچه بیش از همه اهمیت این بحران و مدیریت آن در اتحادیه اروپایی را نزد تحلیلگران برجسته‌تر ساخت، تأثیر این بحران بر روند تجاری، امنیتی و سیاسی اروپایی بود. بدین منظور هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ بود. این پژوهش ازنظر ماهیت پژوهش، در زمره پژوهش‌های تحلیلی-استنباطی و ازنظر هدف پژوهش، در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا می‌باشند. همچنین به‌منظور گردآوری اطلاعات داده‌ها از آمار منتشرشده بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۲۲ استفاده شد. همچنین جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای Excel و Eviews استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲۲ تریلیون دلار هست که پیش‌بینی‌شده است این مقدار در سال ۲۰۲۳ به ۲٤,۲ تریلیون دلار برسد. همچنین رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲,۵ درصد هست که پیش‌بینی شد این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۱,۸ درصد کاهش یابد. شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ٤۳,۱ تریلیون دلار هست که پیش‌بینی‌شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۵۰,۲ تریلیون دلار افزایش یابد. همچنین میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۲,۲ و ۲,٤ تریلیون دلار هست که حاکی از قدرت تولید و رقابت‌پذیری تولیدات این اتحادیه در مقابل دیگر کشورهای ابرقدرت دنیا هست. با توجه به نتایج اتحادیه اروپا با رقم ۲۲۲ میلیارد دلار بزرگ‌ترین واردکننده نفت در دنیا به‌حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، بحران اقتصادی، بحران مالی، رشد اقتصادی

[۱] دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، نویسنده مسئول mohammadalish_419@gmail.com
[۲] دانشجوی دکتری تخصصی رشته مدیریت برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی کیش، Rezashoja6611@gmail.com
[۳] دانشجوی دکتری تخصصی رشته مدیریت برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی کیش، Imanomidvari1980@gmail.com
[٤] کارشناس ارشد، اقتصاد کشاورزی، گرایش سیاست و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران s.mohammadiwisdom@gmail.com

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

❖ مقدمه

امروزه یکی از موضوعات مهمی که در کانون توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی، فارغ از هرگونه گرایش فکری و مکتبی وجود دارد، مسئله رشد اقتصادی است (بولت و وان‌زاندن[1]، ۲۰۲۳؛ مسعود[2]، ۲۰۲۲). اهداف اولیه جامعه اقتصادی اروپا که بیشتر اقتصادی و معطوف به منافع تجاری و گمرکی بود، اکنون بسیار گسترش‌یافته و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فضایی، پولی و فرهنگی را در برمی‌گیرد (مترسون[3]، ۲۰۲۲). اتحادیه[4] تلاش دارد در مسائل سیاست خارجی و امنیتی-دفاعی، پول و سیستم اقتصادی واحد، مسائل اجتماعی، قضایی و فرهنگی نیز سیاست‌های خود را نزدیک و منسجم کند و تاکنون در بسیاری از موارد نیز به اهداف خود رسیده است (وو، چانگ و وانگ[5]، ۲۰۲۱). اتحادیه اروپایی[6] با اکثر سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای ارتباط دارد. این اتحادیه بزرگ‌ترین قطب تجاری جهان را تشکیل می‌دهد و ۲۹ درصد از مبادلات تجاری جهان را در اختیار دارد. تولید ناخالص داخلی اتحادیه ۹۰۰۰ میلیارد دلار و تقریباً نزدیک به تولید ناخالص داخلی آمریکاست. متوسط درآمد سرانه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی ۱۸۰۰۰ دلار است. حدود ٦٨ درصد از کل مبادلات تجاری اتحادیه با اعضای آن و تجارت بین اعضای آن صورت می‌گیرد که این روند همواره در حال افزایش بوده است (دوره و تیژریا[7]، ۲۰۲۱).

▪ فصل اول: کلیات و مفاهیم پژوهش

۱-۱- بیان مسئله

اتحادیه یک مجموعه سیاسی- امنیتی و اقتصادی باسابقه است و در بین اتحادیه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای جهان، حرفه‌ای‌ترین و باتجربه‌ترین آن است (قربانی و شایان‌مهر، ١٤٠٠). ترکیب کشورهای اتحادیه، تشکیل‌دهنده یک بلوک قدرتمند سیاسی، اقتصادی، تجاری، مالی، علمی و صنعتی است که به‌عنوان کشورهای ثروتمند و تأثیرگذار در سطح بین‌الملل مطرح هستند (برونز و لوآندیس[8]، ۲۰۲۰). اتحادیه و اعضای اصلی آن از بازیگران عمده در سازمان‌های بین‌المللی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی دنیا بوده و خط دهی و سیاست‌گذاری در این سازمان‌ها عمدتاً در دست کشورهای غربی و اروپاست. لذا از این نظر اتحادیه دارای یک پتانسیل قوی جهت رایزنی در این مجامع بین‌المللی است. این اتحادیه شامل ۲۸ کشور عضو است که ۱۵ کشور آن پیشرفته صنعتی جهان می‌باشند (اسن و کیچیل[9]، ۲۰۲۲؛ هوآنگ و همکاران[10]، ۲۰۲۱).

[1] Bolt J, van Zanden JL.
[2] Masood
[3] Masterson
[4] union
[5] Wu C-F, Chang T, Wang C-M
[6] European Union
[7] Doré NI, Teixeira AAC.
[8] Bruns SB, Ioannidis JPA
[9] Esen E, Keçili MÇ
[10] Huang et al

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

با ورود جهان به قرن بیست و یکم، روند عمومی و آشکار کند شدن رشد اقتصادی در همه کشورهای جهان و به‌ویژه ابرقدرت‌ها به‌وضوح دیده می‌شود یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش رشد اقتصادی، عامل رکود می باشد (مدینگی و هو[1]، ۲۰۲۱). رکود حالتی است که در آن اکثر فعالیت‌های اقتصادی کشور برای دوره‌ای با کاهش زیادی روبرو می‌شود. رکود بر حوزه‌های مختلفی تأثیر می‌گذارد: تولید، اشتغال، بازارهای پولی و مالی و غیره. رکود، رشد اقتصادی را متوقف می‌کند و موجب می‌شود معمولاً آمارهایی نظیر تولید ناخالص داخلی در دوران رکود هرسال نسبت به سال قبل با کاهش چشمگیری روبرو شوند (آفونسو و همکاران[2]، ۲۰۲۰؛ میرفخرایی، ۱۳۹٤). رکود یک بخش طبیعی (اما ناخوشایند) از چرخه اقتصاد و تجارت است. معمولاً بحران‌هایی که اتفاق می‌افتند، می‌توانند آغازگر یک رکود باشند. رکود جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ توجهات زیادی به استراتژی‌های سرمایه‌گذاری ریسکی که توسط مؤسسات بزرگ مالی در کنار طبیعت جهانی سیستم مالی مورداستفاده قرار می‌گیرد به همراه داشت. چنین رکودی، باعث شد تقریباً همه کشورهای جهان اعم از توسعه‌یافته یا درحال‌توسعه از این شکست بزرگ رنج برند و سیاست‌های متعدد دولتی برای کمک به جلوگیری از بحران مالی آینده آن‌ها پیاده‌سازی شود (ریچمن و وانگ[3]، ۲۰۲۰).

اگرچه اتحادیه اروپا باهدف افزایش همکاری‌ها و اتحادیه میان کشورهای اروپایی شکل گرفت، اما در حال حاضر بحران مالی و وضعیت وخیم برخی کشورهای عضو، اهداف اصلی تشکیل این اتحادیه را مورد تهدید قرار داده است. بحران مالی کنونی در اروپا بزرگ‌ترین مسئله‌ای است که فرایند همگرایی اروپایی از آغاز تاکنون با آن مواجه بوده است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی وضعیت اقتصادی در اتحادیه اروپا و عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشوهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشد. به عبارتی سوال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت اقتصادی در اتحادیه اروپا چگونه است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

رشد اقتصادی در منطقه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲ درصد بود. این میزان کمتر از سال ۲۰۲۱ بود (۲,٤ درصد)، زمانی که توسعه اقتصادی توسط عوامل خارجی حمایت می شد، تجارت خالص سهم قابل‌توجهی داشت. کاهش رشد اقتصادی در منطقه یورو ناشی از عوامل خارجی و داخلی بوده است. اولین عامل، کاهش سرعت رشد تجارت جهانی می‌باشد. در سال ۲۰۲۲، کاهش رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا با سهم کمی از صادرات خالص نسبت به سال ۲۰۲۱، از ۰,٦٪ به ۰,۰۵٪ تعیین شد. ثانیاً تعدادی از عوامل داخلی بر فعالیت‌های اقتصادی در سال ۲۰۲۲ تأثیر گذاشته‌اند که عبارت‌اند از (وارینگانی و همکاران[4]، ۲۰۲۳):

۱. عوامل داخلی موقت، مانند اعتصابات، شرایط آب و هوایی فوق‌العاده، بار مالیاتی بالاتر برای مصرف‌کنندگان و مرخصی پزشکی غیرمعمول بالا.

[1] Mdingi K, Ho S-H
[2] Afonso
[3] Rickman D, Wang H. U.S
[4] Varingani et al

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

۲. خودروسازان اروپایی، به‌ویژه آن‌هایی که در آلمان هستند، با معرفی «روش‌های تست خودروهای سبک هماهنگ جهانی» در ماه سپتامبر، مشکلاتی داشتند که باعث وقفه در تولید شد.

۳. مشکلات حمل‌ونقل ناشی از سطح آب رودخانه‌ها، به‌عنوان‌مثال در راین.

٤. ناآرامی اجتماعی در فرانسه، بلاتکلیفی سیاسی در ایتالیا و سایر کشورهای دارای مشکلات خاص.

اتحادیه اقتصادی اروپا در ابتدا خوب عمل کرد و کشورهای عضو را متعهد ساخت تا استانداردهای مالی و تورمی را که نیازمند پیوستن به اتحادیه است، اجرا نمایند. اجرای این سیاست‌ها ریسک مربوط به نرخ ارز را کاهش داد و موجب شد زمینه استقراض کاهش یابد (رضوانیان و خسروخاکپور، ۱٤۰۱). بانک‌های مرکزی کشورهای عضو در بانک مرکزی اروپا ادغام شدند. تصمیمات مربوط به عرضه پول از طریق این بانک انجام می‌شد و یک شورای اداره‌کننده متشکل از نمایندگان کشورهای عضو در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست-های پولی نقش داشتند (کوآرشما و همکاران[1]، ۲۰۲۱).

کشورهای عضو یورو در طول یک دوره تا قبل از سال ۲۰۰۷ از یک ثبات مالی برخوردار بودند. چشم‌انداز رشد برای کشورهای ضعیف‌تر اروپایی سرمایه فراوانی فراهم آورد، اما نرخ بهره پایین منجر به استقراض بیشتر و ایجاد حباب‌های تورمی در برخی از کشورهای عضو گردید. این کشورها فراتر از توانایی‌شان در بازپرداخت بدهی‌ها استقراض نمودند و به‌تدریج به دیگر کشورهای حوزه یورو بدهکارتر شدند (اوزکان و اوزتورک[2]، ۲۰۱۹). منابع قرض گرفته‌شده به‌جای آنکه در بخش صادرات هزینه شوند به بخش‌های غیرتجاری منتقل شدند. سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و مستغلات افزایش یافت و دولت‌ها این منابع را صرف مخارج مصرفی خود کردند. نتیجه آن، افزایش تقاضای داخلی و بالا رفتن دستمزدها و قیمت‌ها بود. از سوی دیگر، رقابت‌پذیری این کشورها نسبت به سایر کشورهای جهان کاهش یافت. ادغام چین و سایر اقتصادهای نوظهور در زنجیره تولید جهانی موجب شد که سهم کشورهای ضعیف‌تر حوزه یورو در اقتصاد جهانی کاهش یابد (دیبولت و هایپ[3]، ۲۰۲۲).

بحران اقتصادی اروپا که نشانه‌هایش از سال ۲۰۰۸ نمایان گردید اینک پس از گذشت چند سال از عمر آن، به یک تهدید وجودی برای اتحادیه اروپا تبدیل‌شده است (گاردینر و هاجک[4]، ۲۰۲۰). در حقیقت، ریشه اصلی بحران یادشده را باید درآمیخته شدن سه عامل جهانی‌شدن اقتصاد؛ بحران آمریکا و تسری آن به بازارهای مالی اروپا؛ و بی‌انضباطی مالی اقتصادهای ناهماهنگ و نامتوازن کشورهای عضو یورو جستجو نمود. اروپایی‌ها با پشت سر گذاشتن تجربه بحران مالی دهۀ ۱۹۳۰ به‌خوبی می‌دانند که اگر بحران مالی مهار نشود، عواقب آن تنها در نهادها و بازارهای مالی باقی نمانده و می‌تواند محیط سیاسی و اجتماعی کل منطقه را تحت تأثیر قرار

[1] Cuaresma et al
[2] Ozcan B, Ozturk I.
[3] Diebolt C, Hippe R
[4] Gardiner R, Hajek P.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

دهد (کارتنی و همکاران[1]، ۲۰۲۱). افزایش رکود و رشد بیکاری نتایج مستقیم هرگونه بحران مالی است، دو پیامدی که آثار آن را می‌توان بلافاصله در خیابان‌های شهرهای اروپایی در قالب انواع تظاهرات، اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی مشاهده نمود که البته این اول ماجرا است. شکست احزاب حاکم در موسم انتخابات و سقوط دولت‌های آنان (مانند آنچه در فرانسه، یونان و ایتالیا رخ داد) و گسترش بی‌اعتمادی و دلسردی از لزوم و ضرورت همگرایی اروپایی از اولین هزینه‌های گسترش بحران است (اورلیک و همکاران[2]، ۲۰۲۰). با تسری بحران مالی اروپا به بیشتر کشورهای اروپایی دو فرآورده هم‌گرایی اروپایی که عالی‌ترین نماد و شاخص ادغام اجتماعی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشند، یعنی اروپایی بدون مرز و پول واحد، مورد نقدهای آتشین احزاب راست و چپ افراطی و همدلی بسیاری از شهروندان با آنان واقع شدند: اروپای بدون مرز ازآن‌جهت که با هموارسازی انواع مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی زمینه کسب‌وکار و اشتغال را برای اروپایی‌ها کم رونق کرده است و پول واحد نیز از آن‌سو که به‌واسطه نظام‌های مختلف بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی ملی، اعضای یورو را مقروض و بدهکار ساخته است (آگاسیستی و برتولیت[3]، ۲۰۲۲).

۱-۳- اهداف پژوهش

- **هدف اصلی:**

- بررسی وضعیت اقتصادی در اتحادیه اروپا

- **اهداف فرعی:**

- بررسی جمعیت اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی رشد اقتصادی اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی واردات نفت اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲.

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- تاریخچه اتحادیه اروپا

وضعیت اروپا بعد از جنگ جهانی دوّم بسیار آشفته بود. در فاصله کوتاهی، در این قاره دو جنگ خونین روی داده بود. بعلاوه، از قرون‌وسطی به بعد، کشورهای اروپائی مرتب با یکدیگر جنگ و جدال داشته‌اند. به این خاطر، روابط بین کشورها بسیار بد شده بود. سرانجام، بعد از دو جنگ جهانی خانمان‌برانداز، سران کشورهای

[1] Cartone et al
[2] Orlik et al
[3] Agasisti T, Bertoletti A.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

اروپا به این نتیجه رسیدند که تنها راه جلوگیری از جنگ این است که با یکدیگر همکاری داشته باشند (انصاری‌سامانی و علیزاده‌اوجقا، ۱۳۹۸).

این همکاری اوّل درزمینهٔ تجارت و اقتصاد شروع شد. کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ بسیاری از اختلافاتشان را کنار گذاشته؛ و درزمینهٔ تولیدات صنایع زغال‌سنگ و فولاد شروع به همکاری نمودند. سپس این همکاری به سایر امور زندگانی مردم این نواحی توسعه یافت .بازار مشترک اروپا و سازمان‌های دیگری برای این همکاری‌های اقتصادی تأسیس گشتند. در سال ۱۹٦۷ میلادی، برای سازمان‌ها و تشکیلات مختلف، سازمانی مرکزی به نام جامعه اروپا یا جوامع متحد اروپا بنیان گذاشته شد. جامعه اروپا شامل شوراها و گروه‌های مشترکی برای همکاری تمام کشورهای عضو بود (رضوانیان و خسروخاکپور، ۱٤۰۰).

در دهه ۱۹۷۰ میلادی، با پیوستن اعضای جدید، جامعه اروپا رو به توسعه پیدا کرد. در سال ۱۹۷۲ میلادی، برای اولین بار، اتباع کشورهای عضو جامعه اروپا توانستند به روش رأی‌گیری مستقیم، نمایندگان خود را برای پارلمان جامعه اروپا انتخاب نمایند. در سال ۱۹۹۲ میلادی، کشورهای عضو جامعه اروپا پیمان همکاری های بیشتری مابین خودشان منعقد نمودند. نام جامعه اروپا نیز به اتحادیه اروپا تغییر داده شد. این پیمان در شهر ماستریخت[1] هلند منعقد گردید؛ به همین مناسبت این پیمان در متن عهدنامه اتحادیه اروپا، به نام پیمان ماستریخت درج‌شده است (قربانی و شایان‌مهر، ۱٤۰۰). فنلاند در سال ۱۹۹۵ میلادی به اتحادیه اروپا پیوست. پیش از آن؛ یعنی از سال ۱۹۷۳ میلادی، فنلاند یکی از امضاء کنندگان پیمان تجارت آزاد اروپا بوده است. پیمان تجارت آزاد به طرفین این پیمان اجازه می‌داد که بدون پرداخت حقوق گمرکی با یکدیگر مبادلات تجاری داشته باشند (میرفخرایی، ۱۳۹٤).

۲-۲- اتحادیه اروپا از حرکت تکامل‌گرایانه تا سکون

اتحادیه اروپا در میان نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی موقعیتی خاص و ممتاز دارد. در حقیقت، اتحادیه اروپا نه سازمانی بین‌الدولی و نه نهادی فراملی است. بلکه این اتحادیه باهدف رسیدن به اروپای متحد، ترکیبی از نهادهای بین‌الدولی و فراملی را در خود جای‌داده است. اتحادیه اروپا موفق شده است تا در قاره‌ای که به‌واسطه دو جنگ جهانی اول و دوم و نیز جنگ سرد چندپاره شده بود، گام‌های مهمی را در مسیر انسجام و برقراری صلح و وحدت اروپایی بردارد. افزون بر آن، این اتحادیه با بازسازی اقتصادی خود، هم‌اکنون به‌عنوان یک‌قطب اقتصادی قدرتمند مطرح می‌باشد (بیانچی و همکاران[2]، ۲۰۲۱).

در یک چشم‌انداز فراگیر شاید بتوان وجوه اهمیت اتحادیه اروپا را به‌قرار زیر برشمرد: نخست، اتحادیه اروپا بر زندگی اجتماعی و وضعیت اقتصادی بسیاری از شهروندان اروپایی تأثیری بسزا و شگرف بر جای گذاشته است. ایجاد بازار اقتصادی واحد در درون اتحادیه به معنای آن است که بسیاری از شرکت‌های اروپایی

[1] Maastricht
[2] Bianchi et al

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

می‌توانند عملیات اقتصادی و تجاری و جابجایی پول، سرمایه و خدمات خود را با تسهیلات ویژه‌ای انجام دهند. اکثر شهروندان اروپایی نیز قادر هستند تا ورای مرزهای ملی خود از موقعیت‌های اقتصادی و شغلی بهره ببرند (بنوس و همکاران[1]، ۲۰۱۵).

دوم، اتحادیه اروپا را باید پروژهٔ صلح در اروپا دانست، بدین معنا که آغاز فرایند همگرایی اروپایی نقطه پایانی برای جدال‌های ژئوپولیتیک سنتی آلمان و فرانسه به شمار می‌آید، جدال‌هایی که با تشکیل امپراتوری آلمان در ۱۸۷۰ آغاز و پس از پشت سر گذاردن دو جنگ جهانی اول و دوم در ۱۹٤٥، به پایان رسید. طرح شومان، وزیر خارجهٔ وقت فرانسه مبنی بر تشکیل جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا به‌عنوان پایهٔ نخستین همگرایی اروپایی و جلب مشارکت آلمان غربی در این طرح که بلافاصله با استقبال مقامات برلین مواجه شد، نقطه آغازین اجرای پروژهٔ صلح در اروپا بود. همچنین اتحادیه اروپا با باز کردن دروازه‌های عضویت خود به‌سوی کشورهای بلوک شرقی اروپا با پیشینه نظام کمونیستی و تلاش برای ادغام آن‌ها در نظام لیبرال دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد، گام مهمی به سمت اروپای بزرگ برداشته است؛ هرچند آن‌چنان‌که در ادامه خواهد آمد، این موضوع خود با تنگناهایی نیز همراه بوده است (یو، فانگ و دانگ[2]، ۲۰۲۰).

سوم، اتحادیه اروپا، سازمانی منطقه‌ای بانفوذی جهانی است که نمونه آن را می‌توان در حضور اتحادیه در بسیاری از بحران‌های فرا منطقه‌ای و نیز مذاکرات گستردهٔ تجاری با قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان نظیر آمریکا، چین، هند، برزیل، ژاپن و روسیه مشاهده نمود. در حقیقت، اتحادیه اروپا باهدف دستیابی به یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک، در تلاش است که به‌تدریج از قامت یک بلوک اقتصادی منطقه‌ای صرف بیرون آمده و به‌سوی یک قدرت تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل حرکت نماید (موس و بروکل[3]، ۲۰۲۰).

وجه چهارم و اهمیت اتحادیه اروپا، ماهیت آن است. هم چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، اتحادیه اروپا نه یک دولت فدرال است و نه یک سازمان بین‌الدولی امنیتی نظیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و یا یک سازمان اقتصادی همچون صندوق بین‌المللی پول می‌باشد. درواقع، اتحادیه اروپا ترکیبی از نهادهای بین‌الدولی، ارتباطات فراملی و نظام‌های حکومتی را در خود جای‌داده است. شاید دلیل ممتاز بودن این اتحادیه و جلب‌توجه بیشتر نظریه‌پردازان بین‌المللی به این پدیده، همین باشد. درحالی‌که برخی سیاستمداران اروپایی سودای تبدیل اتحادیه به یک ایالات‌متحده اروپا را در سر می‌پرورانند، عده‌ای دیگر از آن واهمه دارند که اتحادیه اروپا به چنین مرحله‌ای برسد. بهره سخن در این قسمت اینکه با توجه به دسترسی و نفوذ جهانی اتحادیه و نیز بافت پیوندی و پیچیدهٔ آن، اتحادیه اروپا را می‌توان یک‌نهاد چندوجهی نامید که از سازمان‌ها و اتحادیه‌های مشابه خود متمایز است (میرسون و پاتیسون[4]، ۲۰۲۰).

[1] Benos et al
[2] Yu B, Fang D, Dong F.
[3] Mewes L, Broekel T.
[4] Morisson A, Pattison M

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

بااین‌همه نباید ازنظر دور داشت که به باور بسیاری از تحلیل‌گران همگرایی اروپایی، پدیدهٔ اتحادیه اروپا عمدتاً محصول اقدامات و تدابیر دیپلمات‌ها، سیاستمداران و بوروکرات‌هایی است که در مسیر پیشبرد سیاست‌های خود چندان نتوانسته‌اند نظر موافق و مشارکت عامهٔ شهروندان اروپایی را جلب نمایند. به همین واسطه افرادی همچون پل مگنت[1] معتقدند هیچ‌یک از نظریات متعارف و رایج همگرایی اروپایی نظیر کارکردگرایان، نو کارکردگرایان، فدرالیست‌ها و پلورالیست‌ها و بین‌الدولی‌گرایان نتوانسته‌اند تحلیل قانع‌کننده‌ای نسبت به ماهیت اتحادیه اروپا ارائه دهند. اتحادیه اروپا در راستای رسیدن به این بافت پیوندی و پیچیدهٔ خود طی نیم‌قرن گذشته، مراحل تکاملی مختلفی را طی نموده است (کیرولی و گوآنو[2]، ۲۰۲۰).

۲-۳- بحران مالی اتحادیه اروپا: دلایل و دورنما

اگرچه طی پنج سال گذشته اعضای منطقه یورو تمام تلاش خود را کرده‌اند تا جلوی تنش‌های کوتاه‌مدت بحران را بگیرند، لیکن این مسئله همچنان برای آن‌ها باقی است که چگونه می‌توانند اقتصادهای ملی خود را باهم یکی کنند. ریشه اصلی بحران کنونی نه در ولخرجی‌های بی‌حدوحساب بخش عمومی و خصوصی ورشکسته شدهٔ کشورهای بدهکار که در وجود عدم توازن بنیادین در درون منطقه پولی یورو نهفته است. بدین معنا که تعیین یک سیاست پولی واحد و یک نرخ ارز برای گروه متنوعی از اقتصادهای ملی ذاتاً مسئله‌ساز است. درنتیجه، انواع طرح‌هایی چون اعمال ریاضت اقتصادی، مدیریت و نظارت بر بودجه‌های ملی، فدرالیسم مالی، برنامه‌های نجات مالی و با تخصیص صندوق بزرگ برای بازسازی اعتبار نهادهای ملی به‌تنهایی برای حل مسئله کفایت نمی‌کنند (بیاگی و همکاران[3]، ۲۰۲۱). از وقتی‌که اروپا همکاری در خصوص موضوعات پولی در دههٔ ۱۹۷۰ را آغاز کرد، تقریباً تمامی توافقات بر اساس ضوابطی که آلمانی‌ها در مذاکرات تعیین می‌کردند، به عمل می‌آمد. معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۲ که تصمیم برای وضع ایجاد یورو از درون آن درآمد، بیشترین تجلی نفوذ آلمان در تصمیم‌گیری‌های پول اروپا را نشان می‌داد. انگیزه اصلی آلمان در ایجاد یورو نه کمک به تجربه وحدت دوباره بود و نه تحقق آرمان تشکیل یک اروپای فدرال. هدف اصلی دولتمردان آلمانی در ایجاد یورو، توسعه رفاه و قدرت اقتصادی آلمان از طریق گشودن و دستیابی به بازارهای رقیب، وضع نرخ مبادلاتی رقابتی و اعمال سیاست مالی ضد تورمی بود. تصور سیاستمداران در فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و دیگر کشورهایی که از قدیم‌الایام پول ملی ضعیفی داشته‌اند این بود که با پیوستن به اتحادیه پولی و ملزم ساختن خود به کنترل تورم، و کم کردن نرخ بهره و اصلاح ساختارهای اقتصادی خود، می‌توانند از اقتصاد ملی آلمان الگو بگیرند. علاوه بر این، آن‌ها می‌پنداشتند از طریق یورو می‌توان آلمان را نیز به الگوی اقتصادی خود نزدیک کرده و از سرعت تولید آن کشور بکاهند. بااین‌حال، این پیش‌بینی سیاستمداران جنوب اروپا درست از آب درنیامد چراکه آنان در سالیانی که یورو به چرخه پولی اروپا وارد شد نتوانستند آلمان را به

[1] Magenette
[2] Kilroy A, Ganau R
[3] Biagi et al

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

مصرف بیشتر و تولید کمتر از طریق افزایش دستمزدها و بالا بردن نرخ تورم قانع نمایند (دی‌نونی و همکاران[1]، ۲۰۱۸).

به‌طور خلاصه باید گفت که بحران یورو نه‌فقط سرنوشت یورو که آیندهٔ سراسر قاره اروپا را رقم خواهد زد. تحولات اخیر نشان داده است که یکپارچگی سیاست‌های داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، پیش‌شرط هرگونه همکاری سودمند و فراگیر است. این موضوع منطق درون اتحادیه اروپاست. هر جا که منافع بنیادین ملی و روش‌های نظارتی اعضاء با یکدیگر ادغام می‌شوند و نمونه آن‌ها را می‌توان در عرصه‌های تجاری مشاهده نمود، دولت‌ها سیاست‌های سفت و سختی را برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های خود اعمال نموده‌اند. خود این سیاست‌ها نیز در مواجه با بحران مالی موجود نیز ثبات خود را حفظ کرده‌اند. در آن عرصه‌هایی که کشورهایی عضو اتحادیه ره هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها را پیموده‌اند، نظارت‌ها نیز عموماً داوطلبانه بوده و عمدتاً در سطح ملی اعمال می‌شدند. بنابراین پیامد بحران بسته به این است که چگونه اروپای شمال و جنوب می‌توانند شکاف‌های موجود را که ناشی از سیاست‌های کلان اقتصادی هر یک از کشورهای عضو می‌باشند، پر کنند (پیلاتی و هونتر[2]، ۲۰۲۰).

در این رابطه باید اضافه نمود که بحران یورو جدیدترین رخداد درحرکت دو دهه‌ای اتحادیه اروپا به سمت تعمیق همگرایی می‌باشد. آن هنگام که معاهده ماستریخت تصویب گردید، پیش‌بینی بسیاری از ناظران اقتصادی این بود که اتحادیه اروپا نظارت‌های خود را بر سیاست‌های مربوط به رفاه اجتماعی، مراقبت‌های پزشکی، زیرساخت‌های منطقه‌ای، دیوان کیفری، آموزش، مسائل مربوط به فرهنگ و زبان و از همه مهم‌تر مالیات و اولویت‌های مالی گسترش خواهد داد. لیکن گذشت زمان نشان داد که خبری از این نظارت‌ها نیست و اروپا تازه درصدد است تا سیاست‌هایی را که مقدمه یک نظام نظارتی متمرکز است، وضع نماید. تردیدی نیست که امروزه، دول اروپایی بسیار بیش از بروکسل کنترل مسائل مربوط به امور قضایی و داخلی، مهاجرت، مالکیت معنوی و سیاست‌های اجتماعی رادارند. حال که اتحادیه اروپا نیز درصدد گسترانیدن یک سیاست متمرکز نوین می‌باشد، نادرند کشورهای عضوی که مایل یا قادر به اجرای کامل این سیاست باشند. دلیل این مسئله نیز آن است که نه همه عضو ناحیه یورو هستند و نه همه تابع پیمان شنگن می‌باشند و نه همه لزوماً در تمامی فرایندهای سیاست خارجی و دفاعی مشترک اتحادیه اروپا مشارکت می‌نمایند (آسپمبیتوآ و همکاران[3]، ۲۰۲۱).

۲-٤- پیامدهای بحران اقتصادی اتحادیه اروپا

بدون تردید، این بحران مالی و اقتصادی با عوارض و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به هم پیوسته‌ای همراه بوده است. در اولین و شاید مهم‌ترین پیامد بلافصل این بحران باید به وجود «شکاف» در داخل و میان

[1] De Noni et al
[2] Pilati M, Hunter A.
[3] Aspembitova et al

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

اعضای اتحادیه اروپا اشاره نمود. در داخل اعضای بحران‌زده مسئله این است که کدام طبقات اجتماعی و بر اساس چه سنجهٔ مالیاتی باید بار بدهی دولت‌ها را به دوش کشیده و مالیات بیشتری را از محل درآمدهای خود به خزانهٔ دولت واریز نماید؟ آیا افزایش‌های مالیاتی باید شامل تمامی طبقات اجتماعی گردد یا تنها بخش کوچکی از شهروندان که همان قشر ثروتمند جامعه هستند، باید پذیرای این بار اضافی باشند؟ تشدید این فشارها و مطالبات در قالب اعمال انواع رژیم‌های ریاضت اقتصادی خود با اعتراضات گسترده‌ای از سوی شهروندان اروپایی مواجه گردیده است. وانگهی، منتقدین رژیم‌های ریاضتی بر این باورند اعمال این‌گونه رژیم‌ها که مورد تأکید نولیبرال‌ها می‌باشد، الزاماً رشد اقتصادی را در پی نخواهد داشت. بر اساس گزارش اخیری که از سوی صندوق بین‌المللی پول منتشرشده است، ۱درصد کاهش هزینه‌های عمومی، ۱/۵ درصد آهنگ رشد اقتصادی را کندتر خواهد کرد (گائو و همکاران[1]، ۲۰۱۸).

اما شکافی که میان اعضای اتحادیه اروپا می‌باشد به نظر عمیق‌تر و مهم‌تر از شکاف داخلی است. در یک‌سو، کشورهای بحران‌زده و بدهکار هستند که معتقدند از همان ابتدای راه‌اندازی یورو، این پول در خدمت اقتصادهای پیشرفته اروپایی از حمله آلمان جهت توسعه صادرات خود به ضرر کشورهای جنوب بوده است و لذا این کشورها به‌جای اعمال فشارهای یک‌طرفه بر اعضای مقروض جهت اجرای رژیم‌های ریاضتی، بهتر است خود با اعطای وام و کمک‌های مالی بیشتر به این دسته از کشورها در رفع بحران مالی و اقتصادی کنونی بکوشند. در مقابل، اعضای قدرتمند ناحیهٔ یورو به رهبری آلمان، بحران بدهی را ناشی از بی‌انضباطی و بی‌برنامگی مالی اقتصادهای تنبل جنوب اروپا دانسته و معتقدند حل ریشه‌ای بحران در اجرای سفت‌وسخت رژیم‌های ریاضت اقتصادی توسط اعضای بدهکار و استقرار یک نظام مالی فدرالی برای نظارت و مدیریت نظام بودجه‌نویسی ملی دولت‌ها منطبق با سطح درآمدهایشان می‌باشد (سیگلر و همکاران[2]، ۲۰۲۱).

پیامد دوم، بحران ظهور و تقویت جریان‌های راست افراطی و تا حدودی چپ افراطی که جملگی رویکرد انتقادی به همگرایی اروپا دارند، در عرصهٔ سیاست داخلی اعضای اتحادیه اروپا می‌باشد. رأی‌دهندگان با نکوهش دولت‌های خود به‌واسطه انفعال در مقابل بحران به وجود آمده گرایش تدریجی به‌سوی احزاب افراطی می‌آورند. اگرچه این روند فراگیر و عام نیست، لیکن آهنگ رشد آن در برخی از اعضای اتحادیه به صدا درآمده است. ازاین‌رو، هم‌اکنون ما شاهد پیدایش گفتمان‌های بیگانه هراسی، مهاجر ستیزی، اتحادیه گریزی، ملی‌گرایی افراطی در سپهر جوامع اروپایی هستیم (الیوت و گلوب[3]، ۲۰۲۲).

پیامد سوم بحران کنونی، سست شدن پایه‌های دولت رفاه در اروپا می‌باشد. این بحران باکم کردن درآمدهای دولتی، توانمندی دولت‌های رفاهی اروپا را جهت پاسخگویی به مطالبات دیرپای شهروندان خود کاهش داده است. امروزه کارکنان و کارمندان اروپایی بیشتر عمر می‌کنند و زودتر بازنشسته می‌شوند و این خود بار مالی

[1] Guo et al
[2] Sigler et al
[3] liott M, Golub B.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌های تأمین اجتماعی را دوچندان نموده است. از آن‌سوی، رشد بیکاری، درآمدهای مالیاتی را کاهش و هزینه‌های دولت را در قالب پرداخت بیمه‌های بیکاری افزایش داده است. افزون بر آن، تراز بین مرگ‌ومیر و میزان موالید در همهٔ کشورهای اروپایی به‌هم‌خورده و این کشورها با رشد منفی جمعیت مواجه هستند (باترانسئا و همکاران[1]، ۲۰۲۲).

پیامد چهارم بحران مالی اروپا، ماهیتی ژئوپولیتیک دارد. بنا به پیش‌بینی عمدهٔ تحلیل‌گران بین‌المللی، مادام که اتحادیه اروپا در این بحران و تهدید وجودی به لحاظ اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک غوطه‌ور است، تمایل آن اتحادیه برای ایفای نقشی مؤثر در سیاست جهانی کاهش قابل‌ملاحظه‌ای خواهد یافت. نظر به اینکه کاهش بودجه نظامی جزء اولین سرفصل‌های رژیم‌های ریاضتی دول اروپایی خواهد بود، این مسئله می‌تواند تضعیف‌کنندهٔ پایه‌های همکاری فراآتلانتیکی اروپا و آمریکا باشد، آن‌هم در شرایطی که آمریکا در دورهٔ ریاست جمهوری اوباما با در پیش گرفتن خط‌مشی چندجانبه گرایی به‌شدت خواهان کمک‌ها و همکاری‌های مالی و نظامی اروپا چه در مناطق بحران‌خیزی در خاورمیانه و شمال آفریقا و چه در رقابت‌های ژئوپولیتیکی با چین باشد (گلدبک و لیندااچر[2]، ۲۰۲۱).

۲-۵- پیشینه پژوهش

رضوانیان و خسروخاکپور (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی اثر نظام تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا بر حل اختلافات تجاری از طریق داوری و نیز رویکرد دادگاه‌های مرتبط در این خصوص پرداختند. یافته نهایی به شیوه توصیفی - تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتاب‌خانه‌ای حاکی از آن است که در مواجه با نظام تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا مرجع داوری در مقایسه با محاکم، به‌ویژه از نظر قانون حاکم بر داوری و نیز شناسایی و اجرای رای داوری، بیش و پیش از تبعیت از نظام تحریم‌ها به‌عنوان قاعده آمره، به قلمرو صلاحیت و اختیارات خود اتکا می‌کند.

قربانی و شایان‌مهر (۱۴۰۰)، در پژوهشی به شناسایی عوامل موثر بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته: کاربرد مدل های توبیت تابلویی و فضایی توبیت پرداختند. ارزیابی بین مدل‌های مورد استفاده در این مطالعه نشان داد که صفحه فضایی توبیت با خطای مکانی نتایج مطلوبی به دست می‌دهد. نتایج نشان داد که جمعیت، هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امید به زندگی تأثیر مثبت معنادار و آزادسازی تجاری تأثیر مثبت ناچیزی بر رشد اقتصادی دارد.

شجاع‌فر (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر کاهش رشد اقتصادی کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن پرداختند. بر اساس تحقیقات انجام شده مشخص شدکه عواملی همچون تاثیر کمتر انباشت سرمایه؛ نرخ کاهشی باروری از دهه ۱۹۶۰ به بعد؛ کاهش بهروره وری؛ و بی ثباتی اقتصادی باعث

[1] Batrancea et al
[2] Goldbeck M, Lindlacher, V.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

کاهش رشد اقتصادی شده است و براین اساس پیش بینی می کنیم که رشد اقتصادی در سراسر جهان نیز همچنان به کندی پیش خواهد رفت.

انصاری و علیزاده (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو منطقه اقتصادی مهم جهان یعنی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا پرداختند. نتایج نشان می دهد آزادی اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا در دوره زمانی مورد مطالعه بوده، اما میزان این تأثیرگذاری در کشورهای منطقه خاورمیانه، بیشتر از کشورهای منطقه اتحادیه اروپا است که نشانگر نقش مهم آزادی اقتصادی در ایجاد فضا و بستری مناسب برای ارتقاء رشد اقتصادی و ضرورت توجه به آن، در سیاست گذاری اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به رشد اقتصادی مطلوب و پایدار است.

میرفخرایی (۱۳۹٤)، در پژوهشی به بررسی چشم‌انداز همگرایی اروپا در پس بحران مالی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ریشه اصلی بحران مالی اروپا را باید در آمیخته شدن سه عامل جهانی شدن اقتصاد، تسری بحران مالی آمریکا به این اتحادیه و بی‌انضباطی مالی اقتصادهای ناهماهنگ و نامتوازن کشورهای عضو یورو جستجو نمود. بنابراین عواقب بحران مالی نه تنها نهادها و بازار مالی، بلکه محیط سیاسی و اجتماعی کل اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ورینگانی و همکاران[1] (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی بر رشد اقتصادی منطقه ای، با استفاده از داده های ۱۹۰ منطقه در ۲۱ کشور اتحادیه اروپا، که هشت موج از بررسی اجتماعی اروپایی را بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۱٦ تکمیل کرده اند، پرداختند. یافته ها نشان می دهد که سرمایه اجتماعی برون گروهی با سطوح بالاتر رشد اقتصادی منطقه ای مرتبط است. سرمایه اجتماعی درون گروهی به شدت با سرمایه اجتماعی برون گروهی مرتبط است و زمانی که این سرمایه(برون گروهی) کنترل شود با رشد اقتصادی کمتری همراه است. یافته‌ها، تأثیرات متفاوت قابل توجهی از سرمایه اجتماعی درون گروهی در مناطقی با سرمایه اجتماعی برون گروهی زیاد یا کم و یا برعکس، نمی یابد. در این پژوهش همچنین رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بررسی شد و نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی بین گروهی برای تحریک رشد اقتصادی، به ویژه در مناطق کم مهارت، عاملی اساسی است. سرمایه انسانی همچنین رابطه بین سرمایه اجتماعی برون گروهی و رشد اقتصادی را تعدیل می کند و اثرات خارجی منفی ناشی از سرمایه درون گروهی بیش از حد را کاهش می دهد.

فیرلج و همکاران[2] (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی رشد اقتصادی و کار شایسته به عنوان هدف توسعه پایدار در اتحادیه اروپا در دوره پیش از همه گیری و همه گیری بیماری کرونا پرداختند. گروه بندی

[1] Varingani et al
[2] Firlej et al

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

کشورهای عضو نشان دهنده موقعیت بسیار خوب پنج کشور با بالاترین ارزش معیار مصنوعی (هلند، ایرلند، لوکزامبورگ، دانمارک، سوئد) و موقعیت خوب برای آلمان است. بلژیک، فنلاند، اتریش، فرانسه، اسلوونی، جمهوری چک و مالت. بلغارستان و یونان به ویژه در برابر گروه کشورهای مورد بررسی عملکرد منفی داشتند. همچنین این فرضیه مبنی بر اینکه در شرایط همه‌گیری کووید-۱۹ بیشتر شاخص‌های دستیابی به هدف توسعه پایدار در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بدتر شده است، تأیید شد.

باتراسئا و همکاران[1] (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی تجربی در مورد اینکه چگونه زیرساخت های مرتبط مرتبط با رفاه رشد اقتصادی را شکل می دهد: شواهد از مناطق اتحادیه اروپا، پرداختند. با توجه به نتایج تجربی، درآمد قابل تصرف خانوار، تحرک بین منطقه‌ای، شاخص مسکن، نیروی کار و مشارکت پیش‌بینی کننده‌های دارای بیشترین تأثیر برای مناطق اروپای غربی؛ بودند. همچنین برای مناطق اروپای مرکزی و شرقی، بیشترین تأثیر را شاخص مسکن، دسترسی پهنای باند اینترنت و آلودگی هوا ایجاد کرده است.

کریستسکو و تیلوار[2] (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل اصلی رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا پرداختند. نتایج نشان داد که در سطح اتحادیه اروپا رشد اقتصادی به طور قابل توجهی تحت تأثیر مصرف خصوصی، نرخ اشتغال و تجارت خالص است. سرمایه‌گذاری‌ها نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند، اما بدیهی است که باید از طریق سیاست‌های مؤثر حمایت و تحریک شوند. در عین حال، گردشگری تأثیر مطلوبی بر درآمد سرانه از طریق اشغال و تعداد اقامتگاه‌های این شاخه اقتصادی دارد.

گنزالس سانچزو همکاران[3] (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و خوداشتغالی انحادیه اروپا بر اساس جنسیت پرداختند. نتایج این مطالعه نشان دهنده تأثیر مثبت مخارج عمومی، سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی دارند. نتایج همچنین گویای آن بود که کارآفرینی بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل سایر عوامل مؤثر بر کارآفرینی، به تفکیک جنسیت، نشان می‌دهد که بیکاری و سطح تحصیلات تأثیر مثبتی بر خوداشتغالی دارند، در حالی که افزایش معنی‌دار نرخ مالیات بر سرمایه و ترک تحصیل زودهنگام به این متغیر آسیب می‌رساند.

مان[4] (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر یکپارچگی اتحادیه اروپایی بر رشد اقتصادی در اروپای شرقی مرکزی پرداختند. این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه فرآیند ادغام اروپایی کشورهای اروپای شرقی مرکزی، که از دهه ۱۹۹۰ در حال انجام است، بر رشد تولید ناخالص داخلی آنها تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان داد تجارت با سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به عنوان سهمی از کل تجارت به عنوان معیاری برای ادغام اروپا عمل می کند.

[1] Batrancea et al
[2] CRISTESCU, A. TÎLVĂR, G.
[3] González-Sánchez et al
[4] Mann

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

- **فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش**

۳-۱- روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت پژوهش، در زمره پژوهش های تحلیلی-استنباطی و از نظر هدف پژوهش، در زمره پژوهش های کاربردی جای می‌گیرد. طرح این پژوهش با استفاده از رویکرد پس رویدادی و از نظر گردآوری داده‌ها مقطعی خواهد بود.

۳-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشند. نمونه آماری نیز شامل ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا شامل؛ آلمان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، هلند، انگلیس، بلژیک، لهستان، یونان، سوئد، پرتغال، فنلاند، لیتوانی، جمهوری چک، اتریش، رومانی، بلغارستان، مجارستان، اسلواکی، دانمارک، ایرلند، کرواسی، استونی، لتونی، لوکزامبورگ و مالت می‌باشد.

۳-۳- روش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه تحقیق، از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان نامه‌ها استفاده شد. در بخش میدانی نیز اطلاعات داده‌ها از آمار منتشر شده بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۲۲ استخراج گردیده است.

۳-٤- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

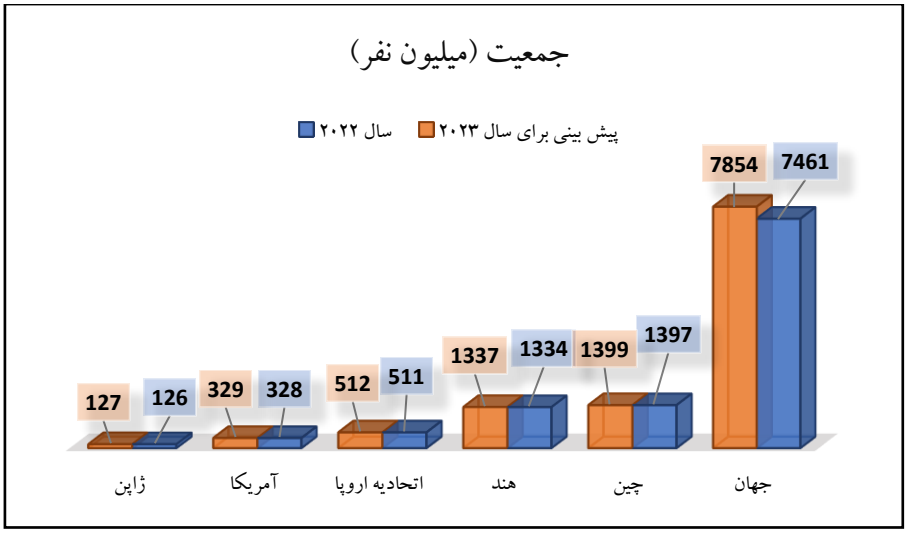
در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای Excel و Eviews استفاده شد.

- **فصل چهارم: یافته‌های پژوهش**

بی شک یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی جمعیت است. نرخ بالای رشد اقتصادی در چین و هند به عنوان پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان و همچنین پیش بینی هایی که توسط پژوهشگران اقتصادی درباره آینده اقتصادی جهان انجام شده است، موید نقش بسیار مهم جمعیت در رشد اقتصادی است. در نمودار زیر جمعیت اتحادیه اروپا و بعضی قدرت های برتر اقتصادی در جهان مقایسه شده است. همانطور که نشان داده شده است، جمعیت اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۵۱۱ میلیون نفر می‌باشد و پیش‌بینی شده است که این جمعیت در سال ۲۰۲۳ به ۵۱۲ میلیون نفر افزایش یابد.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

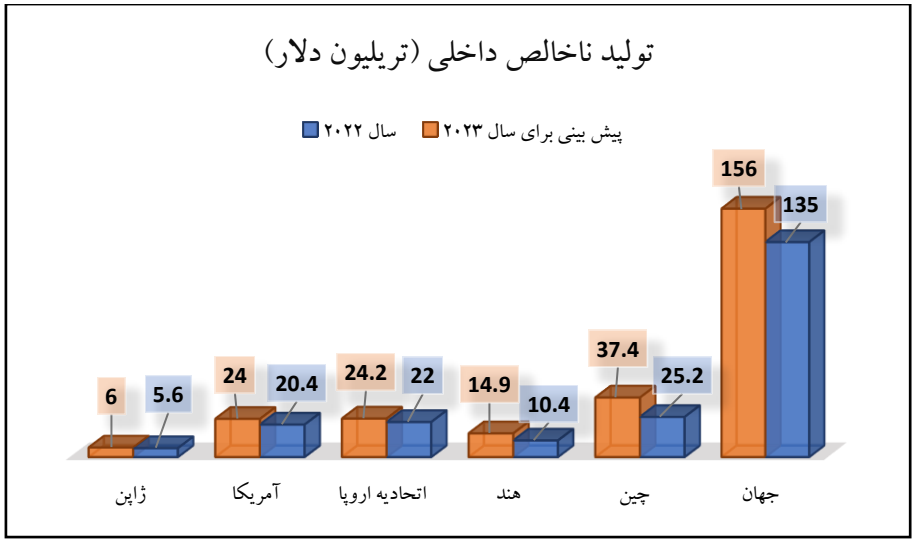


نمودار (۱)، میزان جمعیت اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

امروزه تولید ناخالص داخلی اولین شاخصی است که برای توصیف قدرت اقتصادی یک کشور یا مجموعه کشورها بیان می‌شود. تولید ناخالص داخلی به معنای مجموع ارزش‌های اقتصادی تولید شده در یک کشور در طول یک سال است. برای مقایسه تولید ناخالص داخلی کشورها لازم است که این شاخص با کمیت یکسانی بیان شود. بنابراین لازم است تولید ناخالص داخلی کشورها که بر اساس پول ملی هر کشور محاسبه می‌شود، به نحوی به یک ارز واسط برگردان شود. این کار یا بر اساس نرخ تبدیل ارز به دلار صورت می‌گیرد که روش دقیقی نیست و تنها در ارتباط با مبادلات خارجی اهمیت پیدا می‌کند. و یا بر اساس برابری قدرت خرید با دلار انجام می‌شود که در این صورت تصویر دقیق‌تری از تولیدات سالانه ارزش اقتصادی در یک کشور را ارائه می‌دهد. به همین دلیل در این گزارش از آمار تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید استفاده شده است. در نمودار (۲)، ارزیابی میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ و همچنین پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ نمایش داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲۲ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این مقدار در سال ۲۰۲۳ به ۲٤,۲ تریلیون دلار برسد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تولید ناخالص داخلی مربوط به کشور چین می‌باشد (۲۵,۲ تریلیون دلار).

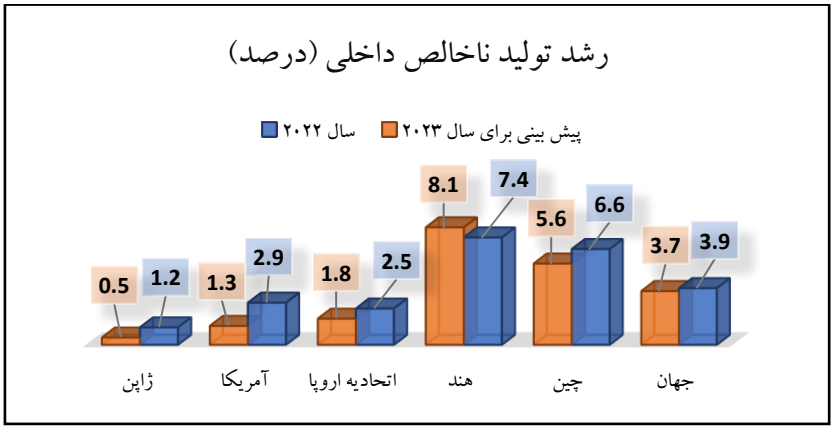
[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷



نمودار (۲)، میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) در اغلب کشورهای توسعه یافته پایین است؛ زیرا بسیاری از ظرفیت‌های بازار و اقتصاد این کشورها فعال شده است در حالی که اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه اغلب از رشد اقتصادی چند برابری نسبت به توسعه یافته‌ها برخوردارند. این واقعیت گویای آن است که کشوری مثل چین که در حال حاضر اقتصاد بزرگتری نسبت به اتحادیه اروپا دارد، در سالهای آینده فاصله بیشتری با این قدرت اقتصادی پیدا خواهد کرد. هند نیز از قدرت‌های بزرگی است که بنا بر پیش‌بینی-های صورت گرفته در آینده نزدیک، اتحادیه اروپا را پشت سر خواهد گذاشت. در نمودار (۳)، میزان رشد تولید ناخالص داخلی قدرت‌های بزرگ اقتصادی نمایش داده شده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲,۵ درصد می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۱,۸ درصد کاهش یابد. بیشترین رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۲ مربوط به کشور هند (٤,٤ درصد) می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۸,۱ درصد افزایش یابد.

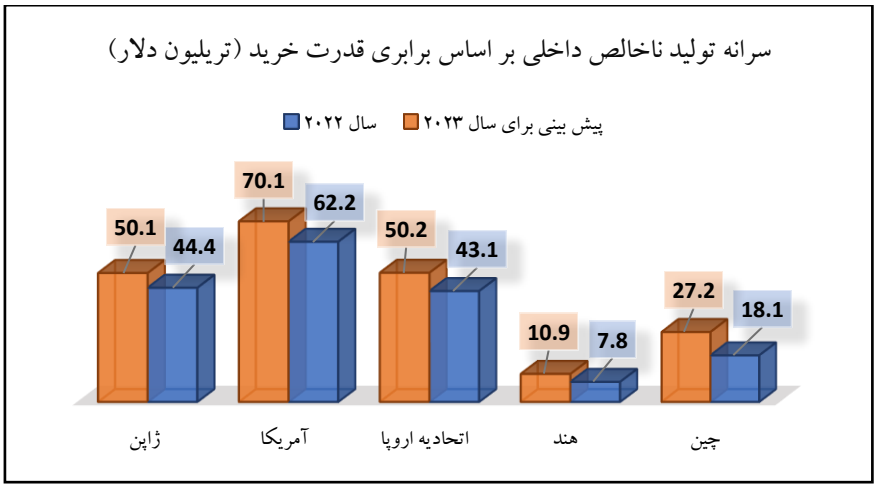


[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

نمودار (۳)، میزان رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین-المللی پول سال ۲۰۲۲)

از شاخص‌هایی که برای تخمین میزان ثروت و رفاه عموم مردم در یک کشور به کار برده می‌شود شاخص سرانه تولید داخلی، است که از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت به دست می‌آید. بالا بودن شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی به همراه جمعیت زیاد در یک کشور به معنای قدرت بالای اقتصاد آن کشور در تولید و رفاه اجتماعی خواهد بود. در نمودار (٤)، وضعیت هریک از قدرت‌های اقتصادی مورد بحث در این شاخص نمایش داده شده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ٤۳,۱ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۵۰,۲ تریلیون دلار افزایش یابد. در بین کشورها، آمریکا با دارا بودن ٦۲,۲ تریلیون دلار شاخص سرانه تولید داخلی در سال ۲۰۲۲، در رده نخست می‌باشد.

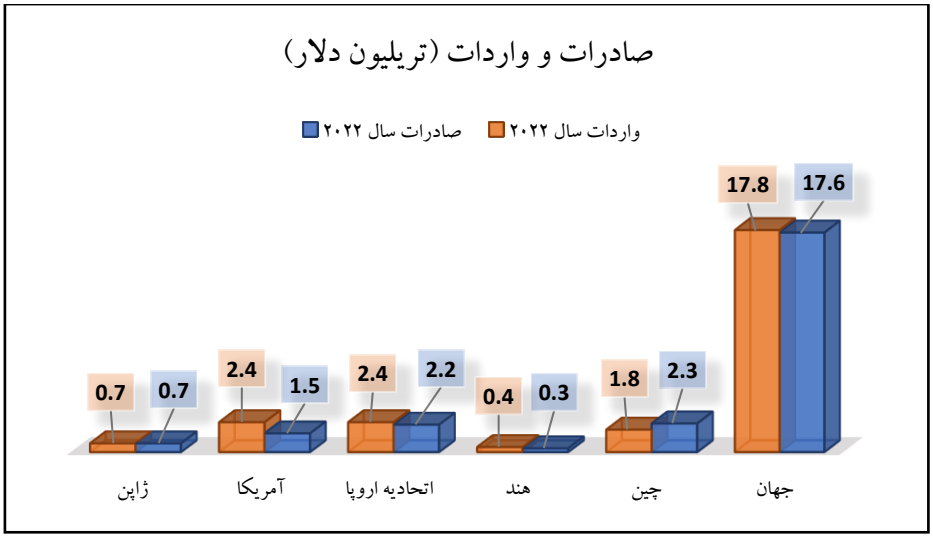


نمودار (٤)، میزان شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

حجم بالای صادرات یک کشور حاکی از قدرت تولید و رقابت پذیری تولیدات آن کشور است. میزان صادرات و واردات یک کشور با میزان اثرگذاری و اثرپذیری از تحولات اقتصادی شرکای تجاری آن کشور رابطه مستقیمی دارد. بنابراین اگر حجم صادرات و واردات یک کشور در مقیاس جهانی و بزرگ باشد، نقش آن کشور در تحولات اقتصادی جهان بزرگ خواهد بود. اتحادیه اروپا به صورت واحد دومین صادرکننده بزرگ دنیا محسوب می‌شود. نمودار (۵)، نشان دهنده میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ می‌باشد. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۲,۲ و ۲,٤ تریلیون دلار می‌باشد که حاکی از قدرت تولید و رقابت پذیری تولیدات این اتحادیه در مقابل دیگر کشورهای ابرقدرت دنیا می‌باشد.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

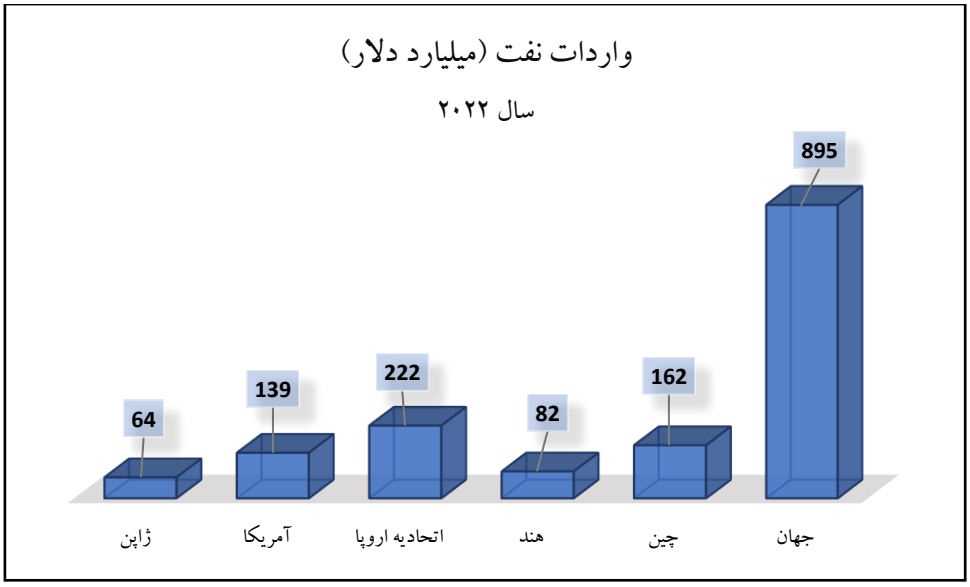


نمودار (۵)، میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

نفت در دنیای امروزی نیاز حیاتی تمامی ابرقدرتهای اقتصادی محسوب می‌شود. این مسئله برای کشورهای صادرکننده نفت بسیار حائز اهمیت است. در صورتی که صادرکنندگان نفت بتوانند نیاز خود را به درآمدهای حاصل از فروش نفت مرتفع کنند، می‌توانند امتیازات زیادی را از واردکنندگان بزرگ نفت دریافت کنند. امتیازاتی مانند انتقال فناوری و صنایع مادر، سرمایه‌گذاری و فروش صنایع راهبردی از این قبیل هستند. مطابق نمودار (٦)، اتحادیه اروپا با رقم ۲۲۲ میلیارد دلار بزرگترین واردکننده نفت در دنیا به حساب می‌آید. البته برخی اعضای اتحادیه اروپا مانند انگلیس و هلند اقدام به تولید و صادرات نفت می‌کنند اما صادرات ۲۸ میلیارد دلاری نفت توسط آنها تنها ۱۳ درصد از نیاز اتحادیه اروپا به نفت را تامین می‌کند. اتحادیه اروپا به خوبی نسبت به این نقطه ضعف خود آگاه است و از حدود ٤٠ سال پیش سرمایه گذاری زیادی در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده است. اتحادیه اروپا طی ٤٠ سال گذشته میزان تولید برق خود از ذغال‌سنگ، نفت و گاز را از ٤١ درصد به ٧٦ درصد از کل رسانده است. استفاده از برق هسته ای هرچند در سال‌های اخیر رشدی نداشته است اما طی ٤٠ سال گذشته از ۷ درصد به ٢٦ درصد رسیده است.

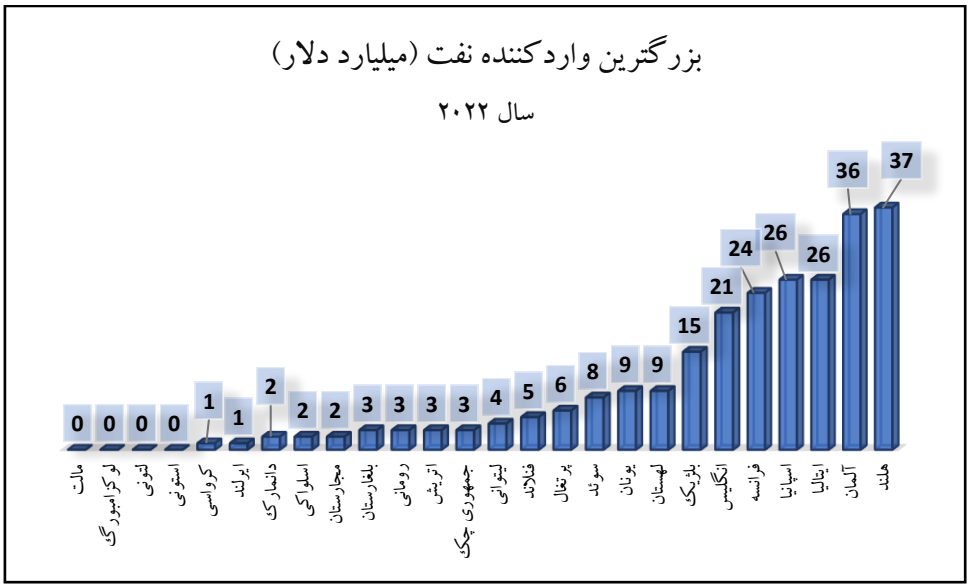
[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷



نمودار (٦)، میزان واردات نفت اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

طبق نتایج نمودار (۷)، اعضای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ به میزان ۲۲۲ میلیارد دلار نفت وارد کرده اند. هلند، آلمان و ایتالیا در صدر فهرست واردکنندگان نفت در اتحادیه اروپا قرار دارند. کشور روسیه در سال ۲۰۱۷ با تامین ۲۹ درصد از نفت مورد نیاز اعضای اتحادیه اروپا بزرگترین صادرکننده نفت به حوزه اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. بنابراین اتحادیه اروپا به منظور تامین امنیت انرژی خود نیاز شدیدی به تعامل با روسیه دارد. نروژ، هلند و قزاقستان پس از روسیه بیشترین نفت را به اتحادیه اروپا صادر می‌کنند.



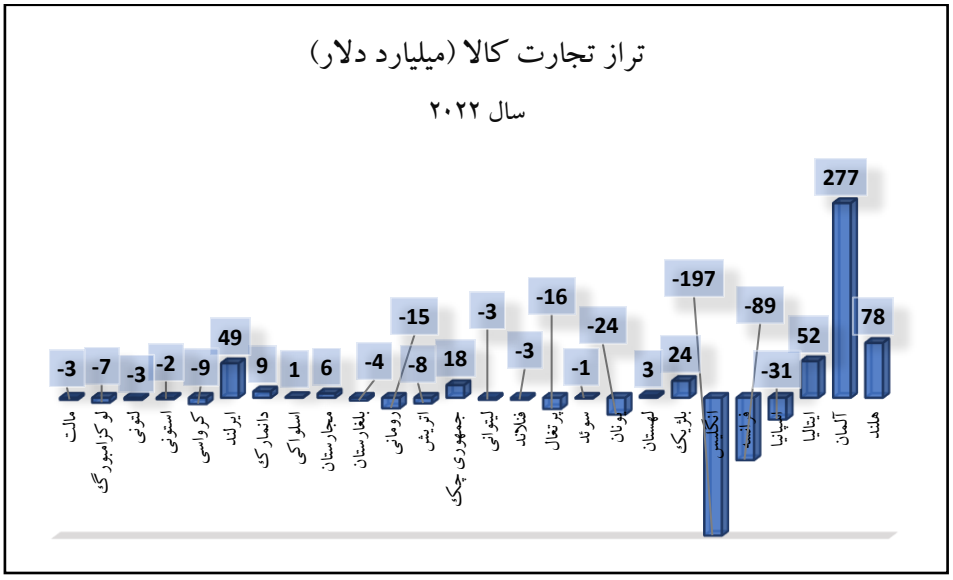
نمودار (۷)، بزرگترین وارد کننده نفت کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

تراز تجاری اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ برابر منفی ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. نقش قدرت‌های اقتصادی اتحادیه اروپا در این تراز منفی بسیار متفاوت است؛ به طوری که برخی اعضا مانند آلمان تراز بسیار بالایی دارند و برخی دیگر مانند انگلیس به شدت دچار کسری تجاری هستند. در نمودار (۸)، اعضای اتحادیه اروپا

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

با تراز تجاری مثبت و منفی مشاهده می شوند. با توجه به نتایج در بین کشورهای اتحادیه اروپا، آلمان با دارا بودن ۲۷۷ میلیارد دلار بیشترین تراز تجاری را در بین کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ را دارد. همچنین کشور انگلیس با تراز تجاری ۱۹۷- میلیارد دلار، کمترین تراز تجاری را دارا می‌باشد.



نمودار (۸)، تراز تجارت کالا کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

جدول (۱)، حجم بدهی خارجی کشورهای اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد. منظور از بدهی خارجی مجموع پول‌هایی است که توسط بخش‌های گوناگون خصوصی و دولتی یک کشور از دولت‌های خارجی، شرکتهای خارجی و یا نهادهای بین‌المللی قرض گرفته می‌شود. بسیاری از کشورهای توسعه یافته اقتصاد خود را با استفاده از وام‌های خارجی بنا کرده اند و در صورتی که وام دهندگان قصد خروج سرمایه های خود را داشته باشند، کشورهای قرض گیرنده با بحران مواجه خواهند شد. بحران مالی جنوب شرق آسیا که به دلیل خروج سرمایه از اقتصادهای قدرتمند آن منطقه ایجاد شد، نمونه‌ای از مشکلاتی است که ممکن است گریبان گیر کشورهای مقروض شود و حتی آنها را به ورشکستگی بکشاند. اعضای اتحادیه اروپا در میان کشورهای جهان بدترین وضعیت را در بدهی خارجی دارند. نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی در اکثر این کشورها بیش از ۱۰۰ درصد است. انگلیس با ۸٤٧٦ میلیارد دلار بدهی خارجی، به لحاظ حجم بدهی پس از آمریکا در جایگاه دوم جهان و اول اتحادیه اروپا قرار دارد. مطابق گزارش اداره آمار ملی انگلیس، نسبت بدهی خارجی این کشور به تولید ناخالص داخلی آن برابر ۳۱۳ درصد است.

جدول (۱)، حجم بدهی خارجی و نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی کشورهای اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

کشورهای اتحادیه اروپا	حجم بدهی خارجی (میلیارد دلار)	نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
هلند	4510	522
آلمان	5398	141
ایتالیا	2511	124
اسپانیا	2259	167
فرانسه	5690	213
انگلیس	8476	313
بلژیک	1278	265
لهستان	364	70
یونان	477	228
سوئد	939	177
پرتغال	447	216
فنلاند	483	196
لیتوانی	36	86
جمهوری چک	138	70
اتریش	638	167
رومانی	109	55
بلغارستان	40	65
مجارستان	147	121
اسلواکی	87	91
دانمارک	492	163
ایرلند	2384	684
کرواسی	46	87
اسلوونی	50	109
لتونی	41	147
لوکزامبورگ	3781	6307
مالت	96	879

▪ فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت اقتصادی اتحادیه اروپا بود. این پژوهش از نظر ماهیت پژوهش، در زمره پژوهش های تحلیلی-استنباطی و از نظر هدف پژوهش، در زمره پژوهش های کاربردی جای می‌گیرد. امروزه ماهیت قدرت اقتصادی و بالطبع سیاسی در جهان رو به دگرگونی است.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

اگر تا چند دهۀ پیش، جهانی شدن به معنای گسترش سپهر قدرت اروپا به دیگر نقاط جهان با هدف دستیابی به بازار و مواد خام بود، امروزه و طی دو دهۀ گذشته نظام جهانی به عرصه‌ای برای اوج‌گیری آسیا خاصه چین و هند به عنوان بزرگترین رقبای اقتصادی اروپا تبدیل شده است. پیدایش رقبای اقتصادی قدرتمند یا رشد اقتصادی بالا در شرق آسیا و آمریکای جنوبی شاید پاسخگوی بخشی از علل وقوع بحران مالی کنونی در اروپا باشد، اما بی‌تردید نیمی دیگر از ریشه بحران در درون اتحادیه نهفته است.

نتایج پژوهش نشان داد که میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲۲ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این مقدار در سال ۲۰۲۳ به ۲٤,۲ تریلیون دلار برسد. همچنین رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲,۵ درصد می‌باشد که پیش‌بینی شد این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۱,۸ درصد کاهش یابد. شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ٤۳,۱ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۵۰,۲ تریلیون دلار افزایش یابد. همچنین میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۲,۲ و ۲,٤ تریلیون دلار می‌باشد که حاکی از قدرت تولید و رقابت پذیری تولیدات این اتحادیه در مقابل دیگر کشورهای ابرقدرت دنیا می‌باشد. با توجه به نتایج اتحادیه اروپا با رقم ۲۲۲ میلیارد دلار بزرگترین واردکننده نفت در دنیا به حساب می‌آید.

سوال بعدی پژوهش حاضر این بود که آیا بحران‌های مالی و اقتصادی پیش رو، بر رشد اقتصادی اتحادیه اروپا موثر است؟ شاید بتوان گفت اولین باری که سئوالاتی از این است مطرح شد زمانی بود که پیش‌نویس قانون اساسی اروپایی در سال ۲۰۰۵ توسط شهروندان فرانسوی و هلندی رد شد. دیری نپائید که مقامات اتحادیه اروپا جهت مدیریت بحران پیش آمده و جلوگیری از تسری آن به حوزه‌های موضوعی اتحادیه، جای آن پیش‌نویس را با سند تعدیل یافتۀ جدیدی به نام معاهده لیسبون عوض کردند. اما هنوز تب و تاب و فشارهای روانی ناشی از رد شدن پیش‌نویس قانون اساسی ساکن نشده بود که با خیز گرفتن موج بحران مالی و تبدیل شدن آن به ابرموج بحران اقتصادی و سیاسی اروپایی، این بار به جای «کارکرد»، «فلسفه وجودی» اتحادیه در آماج پرسش‌ها قرار گرفته است. روند اتهام‌زنی متقابل اعضای مرفه و ضعیف اتحادیه در خصوص بانی یا بانیان اصلی بحران مالی، افزایش گمانه‌زنی‌ها در مورد خروج یا اخراج یونان، به نقد کشیده شدن پیمان شنگن به واسطه سهل‌الوصول کردن ورود مهاجران غیر اروپایی به این قاره، افزایش نگرش‌های منفی نزد افکار عمومی در مورد سودمندی اتحادیه اروپا بنا به آمار نظرسنجی‌ها، زیر سئوال رفتن ضرورت پول واحد اروپایی به واسطه وجود اقتصادهای نامتوازن و نابرابر در کنار یکدیگر و نغمه‌ساز شدن خروج انگلیس از اتحادیه توسط حزب محافظه‌کار انگلیس، جملگی از مواردی هستند که منادی فصلی سرد برای روند همگرایی اروپایی می‌باشند.

برای پاسخ به این پرسش آینده‌نگرانه که این بحران بالاخره به کجا می‌انجامید باید ابتدا یک پرسش گذشته‌نگرانه مطرح کرد و آن اینکه اساساً چرا اتحادیه اروپا ساخته شد. تقریباً تمام تحلیل‌گران بر این نکته

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

کم و بیش توافق دارند که حفظ وحدت جهت مقاومت در برابر شوروی کمونیست و اهلی‌سازی نیروی ناسیونالیسم آلمانی دو نیرویی بودند که کشورهای اروپایی غربی را به سمت سازوکارهای همکاری جویانه با یکدیگر در دهۀ ۱۹۵۰ سوق داد. این یعنی همان عقلانیت سیاسی. در حقیقت، جامعه «زغال سنگ و فولاد، جامعه اقتصادی اروپایی، اوراتم و... جملگی سازوکارهایی اقتصادی بودند تا حیات این عقلانیت سیاسی تداوم یابد. روزی هم که مقامات اروپایی بر سر ایجاد یک پول واحد اروپایی به توافق رسیدند با در نظر گرفتن تمامی اشکالات ممکن در آن، تصمیم به تشکیل اتحادیه پولی گرفتند. از این رو باید گفت که نویسندگان معاهده ماستریخت شامل رئیس جمهور وقت فرانسه، فرانسوا میتران، صدر اعظم و وزیر خارجه وقت آلمان به ترتیب هلموت کهل و هانس دیتریش گنشر، جملگی مردان سیاست بود تا اقتصاد. هدف آنان نیز نیل به یک رسالت سیاسی فراگیر بود. مساله اینجاست آن ابزارهای اقتصادی و مالی که پشتوانه این رسالت سیاسی بوده‌اند، رو به فرسایش و حتی ریزش دارند. با پذیرش این واقعیت، دیگر تحلیل و پیش‌بینی فرجام بحران کنونی در اروپا کار دشواری نخواهد بود لذا پیش‌بینی می‌شود که اتحادیه اروپا به سمت بازسازی ابزارها و مکانیسم‌های مالی و اقتصادی خود با هدف حفظ و نجات هدف سیاسی عالیه که همان وحدت در عین رعایت حاکمیت‌های ملی اعضا باشد، حرکت کند بنابراین می‌توان پیش‌بینی نمود که دول اروپایی نه وارد یک عصر طلایی اروپای واحد و فدرال با تشکیل یک ابردولت خواهند شد و نه به عصر آهن و جنگ برمی‌گردند بلکه آنچه محتمل‌تر و واقع‌بینانه‌تر بر اساس آن عقلانیت سیاسی پیش گفته می‌باشد، باید یک عصر برنزی را برای اتحادیه اروپا تصور نمود، عصری که در آن سازوکارهای اقتصادی و مالی پذیرای معماری مجدد خواهند شد اما اصل و اساس اتحادیه به عنوان مکانیسمی برای حفظ صلح در درون اروپا و ابزاری برای مقاومت و وحدت در جهان دستخوش دگرگونی و تحول و مبتنی بر تهدیدات نوپدید پا بر جا خواهد ماند. اهمیتی که بحران اقتصادی و مالی اروپا و تأثیراتی که بر اقتصاد جهانی دارد باعث شد تا مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام به تدوین اثری ناظر بر زوایای مختلف بحران پیش‌رو از جمله ریشه‌ها، پیامدها و چشم‌انداز و نیز نگرش و سیاست‌های قدرت‌های اصلی اتحادیه اروپا به این بحران بنماید.

با هدف گشایش در وضعیت اقتصادی کشورهای عضو، تدابیر نهادی و کنترلی-احیایی اتحادیه اروپایی صورت عمل به خود گرفتند. تأسیس نهادهای نجات مالی مانند مکانیسم حل بحران موسوم به سهولت ثبات مالی اروپا و نیز مکانیسم ثبات مالی اروپا از یک سو و اعطای وام به دول ضعیف‌تر اروپایی، تأکیدات مکرر بر افزایش توان رقابت‌پذیری و مقابله شدید با عدم توازن حساب‌ها از سوی دیگر در قالب اقتصادی در دستور کار قرار گرفتند، اما آنچه در بعد اقتصادی نمود و بروز بیشتری داشت، پذیرش قدرت‌های بزرگ اقتصادی و در رأس آن آلمان بود که به جای سیاست‌های سرسختانه و متصلب ریاضت اقتصادی، به سیاست-های منعطف‌تر ریاضت اقتصادی و معطوف به رشد روی آورند. بازخورد این امر را می‌توان در تعدیل

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

سیاست‌های اروپا گریز چیپراس در یونان و تصویب نهایی دستورکار اجرایی دیکته شده از سوی اتحادیه اروپایی در پارلمان یونان مشاهده نمود. پذیرش رویکرد منطعفتر اقتصادی، نه تنها برآمده از ضعف و ناتوانی اقتصادی کشورهای بحرانزده اروپایی در اجابت مطالبات سیاستهای غیرمنعطف اقتصادی، بلکه برخاسته از منطق نتیجه‌گرای قدرت‌های برتر سیاسی و اقتصادی اتحادیه نیز بود که حفظ همگرایی سیاسی و امنیتی اروپایی را در ادامه عضویت کشورهای عضو اتحادیه و مقابله با خروج آنها از اتحادیه؛ همچنین مقابله با جریان‌های اروپاگریز و پوپولیستی مخالف اتحادیه می‌دید. از دیگر سو، رهبران اروپایی به این مهم آگاه بودند که همانطور که منطق تسری باعث سرایت همگرایی اقتصادی به همگرایی سیاسی و امنیتی شده است، به همین ترتیب نیز ضعف اقتصادی اتحادیه و گرایشات ملی‌گرایانه کشورهای ضعیف هم می‌تواند به تضعیف همگرایی سیاسی و امنیتی منتج گردد. در همین حال برنامه احیای اقتصادی اروپا خواستار اولویت بخشی به سیاست‌های ساختاری بود که در این میان افزایش سرعت رشداقتصادی و اشتغال در کنار حمایت از افزایش روند تقاضا و درآمدهای خانوارها هدف‌گیری شده بود. برنامه احیای اقتصادی در عین حال، بهبود توانمندی کشورهای عضو را در راستای تسریع روند احیا دنبالکرده و می‌کند. اهداف سیاست گذاری بلندمدت مانند موارد یادشده در استراتژی لیسبون، کارکرد آرام بازار واحد و تسهیل حرکت به سمت اقتصادهای با آلایندگی پایین از روش اصلی این برنامه محسوب می‌شود؛ در همین حال براساس منطق نتیجه‌گرایی و توجه به جایگاه دولت در کنار نهادهای اروپایی، برنامه احیای اقتصادی اروپا، خواستار مداخله دولتها برای حمایت از بخش تجاری در جریان بحران از طریق کاهش محدودیت‌های مالی فرارو و نیز ارائه خدمات اعتباری ویژه مانند بیمه اعتبارات صادرات می‌گردد. فرای حمایت از تقاضا که از طریق مکانیسمها و ابزارهای اقتصادی کلان صورت تحقق به خود میگیرد، حمایت موقت دولتی از بخشهایی نیز در دستورکار قرار گرفت که در آنها تقاضا به صورت نامتناسبی از بحران اقتصادی و مالی تأثیر می‌پذیرفت. حمایت موقت دولتی مانع از ریزش غیرضروری و هزینه بر کار و نیروی کار و از بین رفتن شرکتهای عظیم و توانمند اروپایی شد؛ این ابتکارات به نوبه خود مهار تأثیرات منفی بحران بر بازدهی و تولید بالقوه را به همراه آورد.

اگر بپذیریم که همگرایی اقتصادی، زیر بنای همگرایی سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپایی را تشکیل می‌دهد، کندی رشد اقتصادی همچنان می‌تواند به عنوان عاملی تهدیدزا علیه آن عمل نماید. هرچند نهادینه شدن اتحادیه اروپایی و احیای اقتصادی آن مانع از فروپاشی اتحادیه در جریان بحران گردید، اما تداوم سایه بحران- به دلیل رشد کند و ادامه تبعات سیاسی و اقتصادی منفی بحران- همچنان سایه سنگین خود را بر هدف نهایی یعنی همگرایی سیاسی و امنیتی حفظ می‌کند.

۵-۲- پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه توصیه های سیاستی زیر پیشنهاد می شود:

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

- هزینه‌های صرف شده در بخش آموزش عالی تحقیق و توسعه بیشترین تأثیر را نسبت به رشد نیروی کار شاغل و میزان موجودی سرمایه فیزیکی بر روی رشد تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین در کشورهای اتحادیه اروپا برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر باید در بخش هزینه‌های تحقیق و توسعه آموزش عالی سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد.
- میزان رشد نیروی کار شاغل به میزان ۲ برابر بیشتر از موجودی سرمایه فیزیکی در کشورهای اتحادیه اروپا تأثیر دارد. این نشان می‌دهد بهره‌وری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بسیار بیشتر از بهره‌وری سرمایه فیزیکی در کشورهای اتحادیه اروپا می‌باشد و به این کشورها با بکارگیری نیروی کار شاغل بیشترنسبت به سرمایه فیزیکی به رشد اقتصادی بالاتر خواهند رسید.
- تصویب قوانین و مقررات با کیفیت و شفاف، بطوری که این قوانین در راستای بهبود سیاست‌گذاری-های اقتصادی و در جهت ارتقاء شاخص‌های آزادی اقتصادی و رفع نقایص و کاستی‌های مکانیسم بازار بوده و زمینه‌ساز دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در کشورهای عضو اتحادیه اروپا شود.
- تلاش سیاست‌گذاران و مسئولان اقتصادی برای رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجاری به منظور ارتقاء آزادی در حوزه مبادلات بین‌المللی که می‌تواند زمینه‌ساز ترغیب و نفوذ بنگاه‌های داخلی به بازارهای بین‌المللی شده و از این طریق رقابت‌پذیری محصولات یک کشور را در سطح جهانی افزایش داده و زمینه‌ساز رشد اقتصادی پایدار شود.

فهرست منابع

الف: منابع فارسی:

انصاری‌سامانی، حبیب. علیزاده‌اوجقاز، نوید. (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا، سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، سال ۷، شماره ۱.

رضوانیان، اویس. خسروخاکپور، ایتا. (۱٤۰۱)، بررسی اثر نظام تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا بر حل اختلافات تجاری از طریق داوری، پژوهش‌های خقوق تطبیقی، دوره ۲٦، شماره ٤، ص ۱-۲۹.

شجاع فر، شهناز. (۱۳۹۹)، مطالعه و بررسی عوامل موثر بر کاهش رشد اقتصادی (مطالعه موردی بر اقتصادهای برتر جهان: آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن)،اولین کنفرانس علمی پژوهشی مدیریت، اقتصاد و حسابداری.

قربانی، محمد. شایان‌مهر، سمیرا. (۱٤۰۰)، شناسایی عوامل موثر بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته: کاربرد مدل های توبیت تابلویی و فضایی توبیت، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۱٤، شماره ۱، ص ٤۳-۵۸.

میرفخرایی، سیدحسن. (۱۳۹٤)، اتحادیه اروپا و بحران مالی: چشم‌اندازها و روندها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، ص ۱۸۹-۲۲۳.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

Afonso O, Neves PC, Pinto T. The non-observed economy and economic growth: A meta-analysis. Econ Syst. 2020; 44(1):100746.

Agasisti T, Bertoletti A. Higher education and economic growth: A longitudinal study of European regions 2000–2017. Socio-Econ Plan Sci. 2022; 81:100940.

Aspembitova AT, Feng L, Chew LY. Behavioral structure of users in cryptocurrency market. PLOS ONE. 2021; 16(1):e0242600.

Batrancea LM, Balcı MA, Akgüller Ö, Gaban L. What drives economic growth across European countries? A multimodal approach. Mathematics. 2022.

Batrancea, LM. Nichita, A. Balcı, MA. Akgüller, Ö. (2023), Empirical investigation on how wellbeing-related infrastructure shapes economic growth: Evidence from the European Union regions. PLoS ONE 18(4): e0283277. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0283277.

Benos N, Karagiannis S, Karkalakos S. Proximity and growth spillovers in European regions: The role of geographical, economic and technological linkages. J Macroecon. 2015; 43:124−139.

Biagi B, Brandano MG, Ortega-Argiles R. Smart specialisation and tourism: Understanding the priority choices in EU regions. Socio-Econ Plan Sci. 2021; 74:100883.

Bianchi M, del Valle I, Tapia C. Material productivity, socioeconomic drivers and economic structures: A panel study for European regions. Ecol Econ. 2021; 183:106948.

Bolt J, van Zanden JL. The long view on economic growth: New estimates of GDP. OECD Library; 2023.

Bruns SB, Ioannidis JPA. Determinants of economic growth: Different time different answers? J Macroecon. 2020; 63:103185.

Cartone A, Postiglione PG, Hewings JD. Does economic convergence hold? A spatial quantile analysis on European regions. Econ Model. 2021; 95:408−417.

CRISTESCU, A. TÎLVĂR, G. (2020), The main factors of economic growth in the European Union, Theoretical and Applied Economics, Volume XXVI (2020), No. 3(620), Autumn, pp. 5-20.

Cuaresma JC, Doppelhofer G, Feldkircher M. The determinants of economic growth in European regions. Reg Stud. 2021; 48:44–67.

De Noni I, Orsi L, Belussi F. The role of collaborative networks in supporting the innovation performances of lagging-behind European regions. Res Policy. 2018; 47:1−13.

Diebolt C, Hippe R. The long-run impact of human capital on innovation and economic growth in the regions of Europe. In: Human capital and regional development in Europe; 2022. pp. 85–115.

Doré NI, Teixeira AAC. Empirical literature on economic growth, 1991−2020: Uncovering extant gaps and avenues for future. Glob J Emerg Mark Econ. 2021. 15(1).

Elliott M, Golub B. Networks and economic fragility. Annu Rev Econ. 2022; 14:665–696.

Esen E, Keçili MÇ. Economic growth and health expenditure analysis for Turkey: Evidence from time series. J Knowl Econ. 2022; 13:1786–1800.

Firlej, K. A., Firlej, C., & Luty, L. (2023). Economic growth and decent work as a goal of sustainable development in the European Union in the pre-pandemic and pandemic period. International Entrepreneurship Review, 9(1), 61–76. https://doi.org/10.15678/IER.2023.0901.05.

Gardiner R, Hajek P. Municipal waste generation, R&D intensity, and economic growth nexus-A case of EU regions. Waste Manag. 2020; 114:124−135.

Goldbeck M, Lindlacher, V. Digital infrastructure and local economic growth: Early internet in Sub-Saharan Africa. 2021.

Guo X, Zhang H, Tian T. Development of stock correlation networks using mutual information and financial big data. PLOS ONE. 2018; 13:e0195941.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]

شماره ۳۲،
دوره سیزدهم،
سال دوم،
زمستان ۱۴۰۲
صص ۱-۲۷

Huang R, Kale S, Reddy Paramati S, Taghizadeh-Hesary F. The nexus between financial inclusion and economic development: Comparison of old and new EU member countries. Econ Anal Policy. 2021; 69:1−15.

Kilroy A, Ganau R. Economic growth in European Union NUTS-3 regions. World Bank Policy Research Working Paper No. 9494. 2020.

Mann, K. (2019), The EU, a Growth Engine? The Impact of European Integration on Economic Growth in Central Eastern Europe, FIW Working Paper, No. 136, FIW - Research Centre International Economics, Vienna.

Masood E. GDP is getting a makeover – What it means for economies, health and the planet. Nature. 2022; 611:224–226.

Masterson V. GDP: What is it and why does it matter? World Econ Forum. 2022.

Mdingi K, Ho S-H. Literature review on income inequality and economic growth. MethodX. 2021; 8:101402.

Mewes L, Broekel T. Technological complexity and economic growth of regions. Res Policy. 2020; 104156.

Morisson A, Pattison M. Smart Specialisation Strategy (S3). Lille: Interreg Europe Policy Learning Platform, 2020.

Orlik T, Johnson S, Tanzi A. The new economy drivers and disrupters report: Tacking the forces threatening the world's hottest economies. 2020.

Ozcan B, Ozturk I. Renewable energy consumption-economic growth nexus in emerging countries: A bootstrap panel causality test. Renew Sust Energ Rev. 2019; 104:30–37.

Pilati M, Hunter A. Research for REGI Committee – EU lagging regions: State of play and future challenges. European Parliament, Policy Department for Structural and Cohesion Policies, Brussels; 2020.

Rickman D, Wang H. U.S. state and local fiscal policy and economic activity: Do we know more now? J Econ Surv. 2020; 34:424–465.

Sigler T, Mahmuda S, Kimpton A, Loginova J, Wohland P, Charles-Edwards E, Corcoran J. The socio-spatial determinants of COVID-19 diffusion: the impact of globalisation, settlement characteristics and population. Glob Health. 2021; 17:56.

Varingani, J. D. Fitzgerald, R. Rodriguez Poz, A. (2023), Investigating how intra-group and out-group social capital affects regional economic growth in the European Union, Administrative Studies and Research, No. 17, pp. 62-85.

Wu C-F, Chang T, Wang C-M, Wu T-P, Lin M-C, Huang S-C. Measuring the impact of health on economic growth using pooling data in regions of Asia: Evidence from a quantile-on-quantile analysis. Front Public Health. 2021; 9:689610.

Yu B, Fang D, Dong F. Study on the evolution of thermal power generation and its nexus with economic growth: Evidence from EU regions. Energy. 2020; 205:118053.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-25]